

می شود. ترجیح من بر ساخت فیلم کوتاه است، سپس نیمه بلند و بعد بلند. در اصل اولویت من برای فیلمسازی، فیلم بلند نیست که حتما اکران شود. کما اینکه اگر می خواستم، می توانستم این کار را انجام بدهم و شرایطش برابرم فراهم بود. فعلا در فکر ساخت فیلم نیمه بلند هستم که ممکن است به بلند هم تبدیل شود.

## جزئیات را دوست دارم

یکی از ویژگی های بازی شما این است که به جزئیات توجه می کنید. این نگاه جزئی نگر چگونه شکل گرفته است؟  
فکر می کنم بازیگری همین جزئیات است و گرنه به تیپ سازی تبدیل می شود. قرار نیست لباس نقشی را بپوشیم و فقط برویم جلوی دوربین. اینگونه یک زن روستایی، یک زن روشنفکر، یک زن خانه دار و... همه شبیه هم می شوند. تفاوتی که دو نقش را از هم جدا کند، جزئیاتی است که در رفتار آن آدم هاست و این جزئیات به قصه و داستانی که روایت می شود، برمی گردد. قصه، پیشینه ای را روایت می کند که بازیگر با دیدن نکات ریز می تواند کاراکتر نسبتا متفاوتی را ارائه دهد. می گویم «نسبتا متفاوت» چون آدم ها توانایی این را ندارند که بسیار متفاوت باشند.

این نگاه جزئی نگر چقدر به تجربه ی شما در امر عکاسی برمی گردد؟

من جزئیات را در عکاسی دوست دارم. جزئیات را در زندگی عادی هم دوست دارم. وقتی می خواهم عکاسی کنم، بسیار توجه می کنم و فکر می کنم تفاوت ها در جزئیات مشخص می شود. شاید عکاسی و بازیگری بتوانند در این زمینه به یکدیگر کمک کنند.

عکاسی به شما، زاویه ی دید خاصی می دهد. حداقل این است که قاب و دوربین را می شناسید. این چقدر به بازیگری شما کمک می کند؟

آشنا بودن یک بازیگر به کلیت کاری که انجام می شود مثل کارگردانی و طراحی صحنه می تواند در کارش تاثیر گذار باشد. خیلی ساده که بخواهم بگویم می توانم مثال بزنم که یک بازیگر وقتی کادر را بشناسد بازی اش را بر اساس کادر تنظیم می کند. تاثیر نور و رنگ در این میان چیست؟

بازیگر بر اساس نوری که روی او تابیده می شود، کادرش را

اعضای گروه همه بینش خوبی در کار داشتند و باز هم می گویم از حضورم در این فیلم خوشحالم.

پیش بینی می کنید فیلم در جشنواره با چه باز خوردی از طرف منتقدان و اهالی رسانه و مردم روبه رو شود؟

من امیدوارم جایگاه خوبی داشته باشد. نمی توانم پیش بینی کنم و آرزو می کنم اتفاقات خوبی برایش بیفتد.

در کارنامه ی شما، داوری جشن خانه ی سینما، مستند، فیلم کوتاه و... دیده می شود. این داوری ها چقدر نگاه شما را نسبت به آثار این حوزه نقادانه کرده است؟

شاید دید نقادانه ی من باعث شده که برای داوری انتخاب شوم. گاهی پیش می آید در طول یک سال در هیئت انتخاب هستم یا در هیئت داوری یا هر دو. این فیلم دیدن مداوم، من را با فضای فیلمسازی حال حاضر آشنا می کند چون کم پیش می آید بروم سینما و فیلم ببینم و موقعیت خوبی است که تولیدات یک سال را ببینم.

## فیلم هایی که دوستشان ندارم

بد نیست به جایی دور تر از جشنواره ی فجر و فیلم «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» هم سر بزنیم. چرا اینقدر کم کارید؟

من از سال ۶۹ کارم را شروع کردم. نسبت به ۲۴ سال فعالیت، تعداد کارهایم کم است. این تصمیمی بوده که از ابتدای ورودم به این عرصه گرفته ام. چون می خواستم در کارهایی حضور پیدا کنم که به آن علاقه داشته باشم. هر چه زمان جلوتر رفت، این اتفاق سخت تر شد. چون مادر سال های اخیر، سینمای کاملی نداشته ام. فقط سینمای ویران شده ای بود و کارهایی که پیشنهاد می شد به سمت فیلمسازی می رفت، روی همین اصل، انتخاب سخت تر شد. اما چیزی که برای خودم از همان اول مشخص بود این است که در کارهای خوب حضور پیدا کنم. البته تا جایی که می توانم. چون همین الان هم در کارنامه ام کارهایی وجود دارد که اصلا دوستشان ندارم. به هر حال نمی شود صد درصد تضمین داد کاری که بازیگر فکر می کند خوب است، واقعا به خوبی تولید شود.

شما علاوه بر بازیگری، تجربه ی فیلمسازی هم دارید. آیا از همان بدو ورودتان به هنر به فیلمسازی هم می اندیشید؟

از سال ۷۰ این اتفاق افتاد. اولین فیلمی که ساختم برای تغییر رشته ام بود. چون رشته ام تئاتر بود و من



پریوش نظریه، بازیگر «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» در گفت و گو با صبا:

# نوید یک کارگردان و فیلمنامه نویس

# خوب را به سینما می دهیم

آرامش چهره اش از او باز یگر متفاوتی ساخته است. بازیگری که ابعاد ریز و روانشناختی یک کاراکتر را به درستی رعایت می کند. «پریوش نظریه» برای جشنواره ی فجر امسال، فیلم «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» را دارد. فیلمی که از آن به عنوان تجربه ای خوب یاد می کند. آنچه می خوانید، گفت و گوی ما با بازیگری است که هنرش فقط در این عرصه خلاصه نمی شود. «نظریه» تجربه ی عکاسی و فیلمسازی را در ره توشه اش دارد.

## کار متفاوت

لحظه شناسی انسانی در آن جریان داشته باشد. این فیلم هم جزو آن دسته کارهاست. البته اتفاق و قصه هم دارد. در کنار قصه و نقش خوب، گروه خوبی هم داشتیم و خوشحالم که با این گروه کار کردم. در سینما چندان اهل معاشرت و دوستی های سینمایی نیستم. اما در این فیلم، چند دوست خوب پیدا کردم و نوید این را می دهیم که یک کارگردان و فیلمنامه نویس خوبی هم وارد سینما شده است.

کارگردان «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» فیلم اولی است. کار کردن با یک فیلم اولی چطور تجربه ای بود؟

تجربه ی خوبی بود. بچه هایی که فیلم اولشان را کار می کنند، حساسیت و دقت بیشتری دارند. خیلی از فیلمسازان ما، وقتی شناخته شدند، می گویند اگر از این به بعد، فیلم آنچنان با دقتی هم نسازم، نام من، پشت کار است. اما یک فیلم اولی باید جایگاه خودش را ثابت کند. پس بیشتر دقت می کند. خوشبختانه

شما در فیلم «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» یکی از نقش های اصلی را داشتید. این نقش چه ویژگی هایی داشت که پذیرفتید؟

زمانی که فیلمنامه را خواندم، کل قصه برابرم جذاب بود و نقشی که به من پیشنهاد شد هم نقش خوبی بود. البته نقش تغییراتی داشت که آن تغییرات به سمت بهبودی نقش رفت. بین فیلمنامه هایی که در طول سال می خوانم کم پیش می آید به عنوان بازیگر احساس کنم این فیلمنامه متفاوت است. ولی «ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» کار متفاوتی بود در کنار اینکه من به نقش هایی که بعد روانشناسی قوی دارند و به ارتباطات انسانی می پردازند، توجه بیشتری دارم. تمایلم به سمت کارهایی است که ممکن است اتفاقی نداشته باشد اما



تنظیم می کند. گاهی وقت ها به بازیگر گفته می شود که نور فقط روی بخشی از صورت تو تابیده می شود. وقتی نور روی بخشی از صورت بازیگر است، خیلی فرق می کند با زمانی که نور روی کل صورتش تابیده می شود و او می تواند از همه ی اجزای چهره اش در اجرای کاراکتر استفاده کند.

تا حالا نمایشگاه انفرادی عکس نداشته اید. درست است؟  
بله؛ نمایشگاه گروهی داشته ام اما انفرادی نه؛ تقریبا هر سال نمایشگاه گروهی داشتم. هر سالی که می خواهم به این فکر کنم که یک نمایشگاه عکس انفرادی بگذارم، فکر می کنم هنوز زود است. چون آدم هایی را می شناسم که بسیار حرفه ای هستند، اما نمایشگاه انفرادی نداشته اند. یا اینکه فکر می کنم کنار یک کار دیگر باشد، مثلا فقط نمایشگاه عکس نباشد بلکه ویدئوآرت هم باشد یا در کنار عکس یک چیدمان باشد.

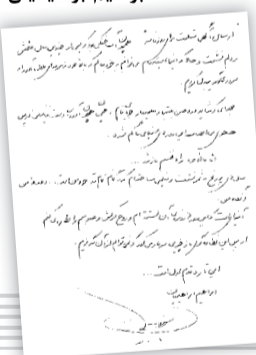


### این تازه قدم اول است

«ارسال آگهی تسلیت برای روزنامه» همچون آب خنکی بود که پس از چندین عطش بر دلم نشست و حالا که اینجا ایستاده ام، می توانم به خود ببالم که بالاخره زمزمه ی ملال آور را به سرودی دیگر میدل کردیم. جمله ای که شاید در ذهن بی شمار فیلمساز جویای نام، همچون آرزوی دست نیافتنی در پسن هیا هوی بی انصاف این روزهای سینمای ما گم شده.

اما بالاخره راه نفسم باز شد... سال های پر رنج به ثمر نشست و فیلمی ساخته ام که به گمانم تمام قد، خود من است. دغدغه ی من و نگاه من. آینده ای است که این روزها روبه روی آن نشستام و روح سرکش و عبوسم را نظاره می کنم. از پس این نظاره گری باز چیزی سر باز می کند که نمی توانم از آن بگریزم. این تازه، قدم اول است.

### ابراهیم ابراهیمیان



### یادداشت نازنین بیاتی

حرف های عاشقانه زدیم، بافتیم، ترسیدیم، گریستیم، آرام شدیم، بیخ شکستیم، نگاه نفرت انگیز کردیم... و از پله ها پایین رفتیم تا تمام شد. ما اینطور با ارسال آگهی زندگی کردیم.

### نازنین بیاتی - آذر ۱۳۹۲



دستیار لباس: غزل آوسوی / دوخت لباس: اعظم حیدری / تأمین وسایل صحنه: امیر یوسفی، علی یوسفی / اجرای گریم: زهرا کمالی، رضا عربی / گروه فیلمبرداری: صادق مختاری، علی رضائی، داریوش شهری، امیر محمدی / مسئول دوربین: امیر پرچی / مسئول برق: کریم جهانبخش سفید کمر / تجهیزات فنی و دوربین: اسماعیل تبسی، ابراهیم عزت خواه / جلوه های ویژه: آرش آقابگ / دستیار دوم کارگردان: علیرضا هاشمی / صدای سر صحنه: امید عاشوری، وحید آقایی / منشی تولید و دستیار برنامه ریز: نیلوفر نجفی / امور مالی: مهدی اسکندری / گروه تدارکات: علیرضا و لباس: فرزاد مهدی بادگار، سعید سیری / اجرای دکور: امیر ترابی، فرامرز مضانی / صحنه: ندا آصف / دستیار اول فیلمبردار: محمد عزت خواه / دستیار اول طراح: سوفیا شکری / عکس: مهدی دلخواسته، امید صالحی / مدیر تدارکات: امیر بمبئی / دستیار تولید: مهرداد زحمتکش / مدیر تولید: بهزاد هاشمی / مجری طرح و برنامه ریز: سحر صباغ سرشت / سرما یه گذار: وحید جمالی / تهیه کننده: حسن کلامی / بازیگران: صابر ابر، نازنین بیاتی، پریوش نظریه، خسرو بامداد، رایعه مدنی، نقی سیف جمالی، سورن مناچکاتیان.

سایر عوامل:  
دستیار تدوین: احسان واتقی / گروه دکور: رشید حسینی، حمیدرضا عامری / گروه صحنه و لباس: فرهاد مهدی بادگار، سعید سیری / اجرای دکور: امیر ترابی، فرامرز مضانی / خلاصه داستان:  
طاها و ریحان مدتی است به واسطه ی یک آگهی در روزنامه، مشغول پرستاری از پیرمردی به نام «منوچهر آصف» هستند. به زودی در خانه ی آصف، حوادثی رخ می دهد که طاها و ریحان را دچار استیصال کرده و آنها را بر سر دوراهی تصمیم گیری قرار می دهد.

فهرست عوامل:  
نویسندگان فیلمنامه: ساراسلطانی، ابراهیم ابراهیمیان / کارگردان: ابراهیم ابراهیمیان / مدیر فیلمبرداری: علیرضا پرازدنده / تدوین: احمد مرادپور / طراح صحنه و لباس: کیوان مقدم / مدیر صدابرداری: عباس رستگار پور / طراحان گریم: فاطمه کمالی، زهرا کمالی / دستیار اول کارگردان: سهیل بیرقی / منشی